



لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی می‌شود؟

صفحه‌توییتی «نورنیوز»، نزدیک به علی شمخانی، روز گذشته از افزایش احتمال تغییرات قرب‌الوقوع در برخی نهادهای عالی امنیتی خبر داد. این در حالی است که در محافل سیاسی اخباری از انتصاب علی لاریجانی به‌عنوان دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی منتشر شده است. منصور حقیقت‌پور، فعال سیاسی میانه‌رو نزدیک به علی لاریجانی، نیز دیروز درباره خبرهای منتشر شده از احتمال انتصاب آقای لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی به انصاف نیز گفت: «این احتمال را رد نمی‌کنم». حقیقت‌پور گفت: علی لاریجانی سرمایه‌ای برای نظام جمهوری اسلامی ایران است و می‌تواند در چنین موقعیتی از او استفاده شود. او درباره‌ی اولویت‌های دبیر جدید شعام گفت: تقویت امنیت ملی و همینطور قوت بخشیدن همه‌جانبه به سیستم نظامی کشور برای مقابله با توطئه‌های بیگانگان و همینطور تنظیم ارتباطات منطقی و قابل قبول در سطح بین‌الملل از جمله اولویت‌هاست. حقیقت‌پور گفت دبیرخانه‌ی شعام به عنوان نهاد بالادستی شورای امنیت کشور (شاک) می‌تواند در مسائل سیاست داخلی نیز اثرگذار باشد. او درباره هماهنگی میان دولت و دبیرخانه‌ی شعام در صورت انتصاب علی لاریجانی گفت: آقایان لاریجانی و پزشکیان دودمه است که با هم دوستی و ارتباط دارند و در مجلس نیز به عنوان رییس و نایب رییس همکار یکدیگر بوده‌اند و به خوبی همدیگر را می‌شناسند.

عکس: عبداللّه حیدری، ایرنا



حمله به عراقچی در مجلس

حسینعلی حاجی‌دلایانی، نماینده مجلس دوازدهم در نطق میان‌دستور روز گذشته مجلس گفت: «از رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه بسیار تعجب می‌کنم، یک رژیم متجاوز به کشور ما حمله کرده و آمریکا نیز در ادامه به کشور ما تجاوز کرده است؛ وظیفه شما در مقابل ما متجاوز چیست؟ شما به نمایندگی از ملت ایران چه وظیفه‌ای دارید؟ ما از رفتارها و برخی موضع‌گیری‌های شما که اشتباه می‌کنید گله‌مند و ناراضی هستیم.» او در ادامه افزود: «به نحوی عمل و اظهارنظر کنید که دشمنان طمع نکنند. بجای اینکه ابتدا در دنیا قطعنامه و اعلامیه محکومیت متجاوز بگیرید که یک رژیم متجاوز به کشور مستقلی حمله کرده، سرداران، دانشمندان و مردم آن را به شهادت رسانده است حرف‌هایی را می‌زنید که در بین مردم ایران جایی ندارد. باید متجاوز را تعیین و به دنیا معرفی کنید و پس از آن به دنبال گرفتن ضرر و زیان ناشی از این تجاوز باشید تا تنبیه شود نه اینکه به گونه‌ای بازی کنید که در میدان آنها هستیم. ما در حال انجام مذاکرات بودیم و دور پنجم آن را پشت سر گذاشته و آماده بودیم ۲۵ خرداد دور بعدی مذاکرات را انجام دهیم. طرف مقابل زیر میز زده و به کشور ما حمله کردند اما شما کماکان به دنبال آنها هستید و ناز آنها را می‌کشید که این جای تعجب دارد. یک مسلمان دوبار از یک نقطه گزیده نمی‌شود.» این نماینده همچنین تصریح کرد: «بدانید اگر از این به بعد از این حرف‌های نادرست بزنید در مجلس حتماً از ابزارهای نظارتی استفاده می‌کنیم. اجازه نمی‌دهیم حق این مردم را اینگونه ضایع کنید که دشمن طمع کند. شما را نصیحت می‌کنم به اعتقادات راسخ مردم ایمان بیاورید و به دامن مردم برگردید، چرا اینگونه موضع‌گیری و رفتارهایی را دارید، ملت ایران بزرگ هستند و ایران حسین‌(ع) تا تاب وجود دارد.» او همچنین گفت: «همه فشنگ‌هایی که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها در خشاب مکانیزم ماشه داشتند شلیک کرده‌اند و این خشاب خالی است چرا از آن می‌ترسید؟ کدامیک از موارد این مکانیزم ماشه هنوز عملی نشده است؟ چرا می‌ترسید؟ این جای تعجب دارد.»



عکس: عبداللّه حیدری، ایرنا

سیاست عقیم مواجهه با دروغ‌گویی

گفتاری از **عباس عبدی** در ضرورت توجه به نحوه مقابله با دروغ و آنچه به عنوان لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» مطرح شد

با دروغ مبارزه کرد؟ هیچ راهی وجود ندارد که بشود به‌طور مستقیم فقط با دروغ مبارزه کرد. تنها راهی که وجود دارد این است که دسترسی به حقیقت و اطلاعات آسان باشد و پاسخگویی و شفافیت وجود داشته باشد. رسانه‌های مستقل وجود داشته باشند که حقیقت را تا آنجا که می‌دانند و می‌بینند منعکس کنند. سرجمع اینهاست که حقیقت را نشان می‌دهد، و دروغ‌گور را رسوا می‌کند. اعتماد به حکومت باید بالا باشد. شما فرض کنید که یک جامعه‌ای باشد که همه مسئولانش راستگو هستند و مردم هم اعتقاد به راستگویی آنها دارند؛ در چنین شرایطی اگر روزی کسی دروغ بگوید و اینها آن را تکذیب کنند مردم حرف‌شان را باور می‌کنند. اساساً اگر رسانه رسمی موردی را تکذیب می‌کند باید مردم آن تکذیب را باور کنند نه به خاطر اینکه آن رسانه رسمی زور دارد بلکه به خاطر اعتبارش. یعنی رسانه رسمی باید اعتبار داشته باشد. در ایران معکوس برداشت می‌شود. هنگامی که مسئولان یا مقامات قضایی حرفی می‌زنند همه باید باور کنند این حقیقت است. نه اینکه بگویند حقیقت نیست. متأسفانه در رسانه‌های رسمی ما اخبار دروغ گفته می‌شود، و قلب واقعیت رخ می‌دهد و تن به راستی آزمایی هم نمی‌دهند کسی هم کاری با آنان ندارد و فکر می‌کند حق هم دارند که این‌گونه رفتار کنند اما توجه نمی‌کنند که برای مخاطب این دستگاه و رسانه اعتباری ندارد، آن را حقیقت‌جو نمی‌دانند. بنابراین وقتی چهارتا حقیقت هم می‌گویند کسی آن‌ها را باور نمی‌کند. قضیه چوپان دروغ‌گو همین است. یا مثلاً سخنان برخی مسئولان کشور، این همه سخنان عجیب و غریب گفته‌اند که تایید یا محقق نشده است اما بازهم انتظار دارند حرف آنها را باور کنیم. در بخش قضایی وقتی دادگاه‌ها علنی و شفاف نیست چرا باید مردم باور کنند. درباره پرونده قتل عمد معمولاً رسیدگی شفاف است و حکمی هم داده می‌شود و در نهایت هم معمولاً مردم از آن حمایت می‌کنند اما درباره سایر دادگاه‌ها وکالت و شفافیت و پاسخگویی کمتر است. اینجا سوال پیش می‌آید که در چنین وضعی چرا باید مردم حکمی را قبول کنند و یا چرا باید حکم دادگاه در همه موضوعات فصل الخطاب دانسته شود؟ بنابراین شرط لازم برای مبارزه با دروغ در درجه اول که بیش از ۹۰ تا ۹۵ درصد خلاف‌گویی‌ها را می‌تواند جبران کند، دادرسی عادلانه و مستقل، دادگاه‌های شفاف، پاسخگویی مسئولان، رسانه مستقل و آزاد است. همه اینها اگر باشد دیگر جایی برای خلاف‌گویی فضای مجازی نمی‌ماند. فرض کنید اینها نباشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ شما مگر می‌توانید همه چیز فضای مجازی را پیگیری کنید، یقه آنان را بگیرید؟ چندانای آنها را انجام می‌دهید و بقیه را رها می‌کنید؟ بعد چه رخ می‌دهد؟ در بهترین حالت مردم

بسیار عجیب و باورنکردنی است. حتی در سیستم اداری شاهد هستیم که گفته می‌شود دروغ بگو تا کار خودت راه بیفتد و مدیریت آنجا چنین چیزی را می‌خواهد و وقتی می‌گویی من این کار را نمی‌کنم، تعجب می‌کنند که چرا این کار را نمی‌کنی؟ در حالی که دروغ به نفع‌ات هست. بخاطر اینکه دروغ رایج‌ترین سکه در ایران است. یادتان هست وقتی ماجرای کلینتون و مونیکا اتفاق افتاد مشکل کلینتون این نبود که چرا با مونیکا آن رابطه را داشته است بلکه مشکل این بود که چرا دروغ گفته است؟ و مسئله این بود. مسئله مردم این است که رئیس‌جمهورشان نباید دروغ بگوید اگر دروغ بگوید دیگر اعتبار و اعتمادی به او نیست. پس مسئله اصلی در یک جامعه دروغ است که در ایران سکه رایج است و این اصلاً ربطی به فضای مجازی ندارد. «الناس علی دین ملوکیم» مردم به‌دین پادشاهان و حکام‌شان هستند وقتی آنها به راحتی دروغ بگویند مردم نیز همین‌گونه می‌شوند. شخصاً همیشه به بچه‌هایم می‌گویم هر کاری می‌خواهید بکنید اما دروغ نگویند. چون اطمینان از بین می‌رود و رابطه کلاً متنفی می‌شود اما در جامعه ایران بسیار دیدیم که چقدر در جلسات راحت دروغ می‌گویند و بقیه هم می‌خندند انگار آن شخص کار خوبی انجام می‌دهد. دروغ هم فرق نمی‌کند علیه چه کسی و چه زمانی گفته شود. تجربه شخصی خودم در زندان واقعاً تأسف‌آور بود. وقتی می‌دیدم مقامی قضایی به راحتی خلاف واقع می‌گفت، حاج و واج می‌ماندم. یک بار در جلوی هیئتی که برای رسیدگی به زندان آمده بودند، گفتم: «او دروغ‌گو است.» اتهام سنگینی بود اما انگار اتهام مهمی برایش نبود و بی‌تفاوت از آن گذشت. این رایج بودن دروغ‌گویی در جامعه ایران ربطی به فضای مجازی ندارد و آنچه در فضای مجازی گفته می‌شود کوچک‌ترین دروغ‌ها، بی‌اهمیت‌ترین‌ها و حتی شاید ساده‌ترین‌های آن باشد گرچه باعث تأسف است. بنابراین مسئله اصلی دروغ و خلاف‌گویی را ابتدا باید در ساختار جست‌وجو کرد که چرا آنجا چنین سخن گفته می‌شود؟ مثلاً من چندی پیش فایل تصویری از تلویزیون دیدم که آقای مدعی می‌شود ۳۰ خلیان اسرائیلی را در جنگ زده‌ایم یا جنگنده‌ای را زدیم و خلیان زن آن را بازداشت کردیم. چگونه چنین سخنانی گفته می‌شود؟ اصلاً باورپذیر نیست و البته اینها موارد بسیار ساده آن است برخی دروغ علیه مخالفان را عین ثواب می‌دانند ولی نمی‌دانند که این ماجرا حقیقت ندارد و واقعیت این است که دروغ در سطح کلان رواج دارد و بازتاب آن نیز در رسانه است.

▼ **امتناع مبارزه مستقیم با دروغ در غیاب بسته بودن راه دسترسی به حقیقت**
سوالاتی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌شود

اولین موضوعی که می‌توانم مطرح کنم این است که همه از وجود خبرهای دروغ در فضای مجازی ناراحت هستند. ممکن است هر کسی از یک بخش‌هایی ناراحت باشد ولی وقتی خوب توجه می‌کنیم آن بخش‌هایی که ما از آن ناراحت نمی‌شویم یا خدایی نکرده خوشحال می‌شویم فرقی با آن بخش‌هایی که ناراحت می‌شویم، ندارد و هر دو روی یک سکه هستند. بنابراین ابراز تأسف و ناراحتی می‌کنیم که چرا این خبرها پخش می‌شود. چرا عده‌ای آن را باور می‌کنند یا حتی از این بالاتر وقتی خودمان هم باورمان بشود و از این پشیمان شویم که چرا آن را باور کردیم؟ در نتیجه می‌خواهم به این اشاره کنم که این یک پدیده عمومی برای همه است و این‌گونه نیست که عده‌ای بگویند هیچ مشکلی نیست و خیلی هم خوب است و راضی باشند و بگویند که مبارزه با خلاف‌گویی و دروغ‌گویی در فضای مجازی بی‌خود است؛ و ضرورتی ندارد. البته این یک وجه فضای مجازی است و وجه دیگر آن اخباری است که بسیار خوب است و حقیقت را منعکس می‌کند، حتی به شکلی جلوی دروغ‌های فضای واقعی را می‌گیرد یا دروغ‌ها را آشکار و به عبارتی دست دروغ‌گوها را رو می‌کند. اطلاعات خیلی مفصل و ارزشمندی در فضای مجازی است. خوب که نگاه کنیم فضای مجازی نقش آگاهی‌بخشی و آموزنده و نظارتی عمیقی دارد و جلوی افزایش بیش از این فساد را هم گرفته است. در مقایسه میان این دو وجه فضای مجازی؛ قطعاً کفه به سمت بخش مثبت دوز سنگینی می‌کند یعنی نقاط و ارزش‌های مثبت فضای مجازی به مراتب بیشتر از بخش‌های منفی آن است اما این دلیل نمی‌شود ما در برابر بخش‌های منفی آن سکوت کنیم یا اقدامی انجام ندهیم. و البته دلیل هم نمی‌شود که هر نوع اقدامی انجام دهیم. چون چه‌بسا اقداماتی که انجام می‌دهیم نتیجه معکوس بدهد مانند اینکه فردی تصادف کرده و روی زمین افتاده، همه دنبال این هستیم که جلوی خورنیزی او را بگیریم، و درمان کنیم یا به بیمارستان برسانیم اما اینها کار هر کسی نیست، ممکن است تکان دادن بیمار موجب قطع نخاع او شود یا عفونت‌ش را تشدید کند. پس باید دنبال آن باشیم که چگونه می‌توان آن هدف مفید را انجام داد. درباره موضوع فضای مجازی هم سوال این است آیا مجازات و قوانین کیفری راه حل است؟ پاسخ من این است که بعد از ده تا راه حل دیگر یعنی در ضعیف‌ترین حلقه راه حل قرار دارد و در ادامه آن را توضیح خواهم داد.

شما مگر می‌توانید همه چیز فضای مجازی را پیگیری کنید، یقه آنان را بگیرید؟ چندانای آنها را انجام می‌دهید و بقیه را رها می‌کنید؟ بعد چه رخ می‌دهد؟ در بهترین حالت مردم احساس می‌کنند آن بقیه‌ای که برخورد نشده حقیقت دارد

▼ **دروغ اصلی رواج آن در سطح ساختار رسمی است**
واقعیت این است که جامعه ما از حیث دروغ‌گویی بسیار وضعیت بد و تأسف‌باری دارد. تجربه خودم در این زمینه که